

روزنامه علمی

بسمه تعالی

تعهدنامه اصالت پایان نامه

اینجانب جواد بهرامی فرزند صمد دانشجوی رشته فقه و حقوق جزا مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه علامه محدث نوری (ره) بدینوسیله اصالت کلیه مطالب و مندرجات موجود در مباحث مطروحه در این پایان نامه را با عنوان مبانی فقهی و جزایی بغی در مقایسه با جرم سیاسی تایید و تصدیق کرده اعلام می نمایم که تمامی محتوای این پایان نامه حاصل مطالعه، تحقیق و تفکر خودم بوده و به هیچ وجه رونویسی از پایان نامه و یا هیچ اثر یا منبع اعم از داخلی، خارجی و بین المللی نبوده و قانون مالکیت معنوی را رعایت نموده و از اقتباس مطالب دیگران بدون ذکر مأخذ خودداری کرده ام. و تعهد می نمایم در صورت استفاده از مطالب این پایان نامه در کتب، مجلات یا همایش ها اعم از داخلی و خارجی عنوان کامل و نشانی دانشگاه را قید نمایم. نیز ملتزم و متعهدم در صورت اثبات عدم اصالت این پایان نامه و یا احراز عدم صحت مفاد و یا لوازم این تعهدنامه در هر زمان و مرحله از مراحل که منتهی به فارغ التحصیلی شده و یا پس از آن و یا تحصیل در رشته یا در مقاطع دیگر و یا اشتغال و ... ، دانشگاه حق دارد ضمن اعلام رد پایان نامه، نسبت به لغو و ابطال مدرک تحصیلی مربوط اقدام نماید. مضافاً به اینکه کلیه مسوولیت ها، پیگردها و پیامدهای قانونی و نیز خسارات مادی و معنوی وارده از هر حیث متوجه اینجانب می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو

تاریخ و امضا

وزارت ، علوم و تحقیقات و فناوری



دانشگاه علامه محدث نوری (ره)

(غیردولتی - غیرانتفاعی)

پایان نامه ی دوره کارشناسی ارشد در رشته فقه و حقوق جزا

موضوع:

مبانی فقهی و جزایی بغی در مقایسه با جرم سیاسی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر: محمد نبی پور

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر: یزدان صیقل

نام دانشجو:

جواد بهرامی کوهشاهی

بهمن ماه ۱۳۹۵

سپاسگزاری

شکر و سپاس خدا را که بهترین امید و باور در لحظه لحظه‌ی زندگیست.
و با کمال سپاس از خانواده محترم و عزیزم که همت و تلاش فراوانی برای موفقیت اینجانب انجام داده اند.
از زحمات ارزنده‌ی جناب آقای دکتر محمد نبی پور و جناب آقای دکتر یزدان صیقل که به عنوان استاد راهنما و استاد مشاور بنده را در نوشتن این پایان نامه همراهی نمودند بسیار متشکرم و برای این عزیزان آرزوی سلامتی و توفیق روز افزون دارم.

تقدیم به

این پایان نامه را به روح بزرگ و مهربان مادر عزیزم تقدیم می کنم .

چکیده

بغی و جرم سیاسی از جمله مباحث مهم فقهی و حقوق کیفری ایران می باشد. در فقه اسلامی این دو مبحث به خوبی از هم تمیز داده نشده اند اما در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ بغی به خوبی از محاربه و افساد فی الارض تفکیک گردید و در سال ۱۳۹۵ با تصویب قانون ماده ۶ ای جرم سیاسی به عنوان جرمی مستقل تعریف شد. در پایان نامه پیش رو جرم بغی را با توجه به ق.م.ا مصوب سال ۱۳۹۲ و جرم سیاسی را با توجه به قانون جرم سیاسی مصوب سال ۱۳۹۵ به صورت مبسوط مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت و به رابطه این دو جرم پرداخته می شود و مشخص می گردد که جرم سیاسی جرمی تعزیری و بغی جرمی حدی است و جرم سیاسی به لحاظ انگیزه ارتکاب جرم از جرم امنیتی مستقل می باشد و سعی شده شرایط و احکام بغی با نگاهی به سیر تاریخی این جرم از منظر فقه امامیه و اهل سنت مورد بررسی قرار گیرد و در آخر به رابطه و وجوه افتراق و اشتراک بغی با محاربه و افساد فی الارض پرداخته خواهد شد

واژه های کلیدی: بغی، جرم سیاسی، محاربه، جرم امنیتی، فقه امامیه

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱
بیان مسأله:.....	۲
اهمیت و ضرورت :.....	۴
سؤال‌های پژوهش.....	۴
پیشینه پژوهش:.....	۴
فرضیه های پژوهش.....	۵
اهداف پژوهش:.....	۵
اهداف جزئی :.....	۵
ساماندهی پژوهش:.....	۶

فصل اول : کلیات

مبحث اول: مفاهیم.....	۹
الف) تعریف لغوی «بغی».....	۹
ب) تعریف اصطلاحی بغی.....	۱۰
گفتار دوم: مفهوم جرم سیاسی.....	۱۲
الف) مفهوم لغوی جرم سیاسی.....	۱۲
ب) مفهوم اصطلاحی جرم سیاسی.....	۱۳
مبحث دوم: پیشینه تاریخی بغی و جرم سیاسی.....	۱۵
گفتار اول: دوران رسول اکرم(ص).....	۱۵
گفتار دوم: دوران خلفای سه گانه.....	۱۶
بند اول: خلیفه اوّل.....	۱۶
بند دوم: خلیفه دوّم.....	۱۷
بند سوم: خلیفه سوّم.....	۱۷
گفتار سوم: دوران امیرالمؤمنین علی(ع).....	۱۸
گفتار چهارم: جرم بغی در قانون.....	۲۵
گفتار پنجم: جرم سیاسی در فقه.....	۲۵
گفتار ششم: جرم سیاسی در قانون.....	۲۶

- بند اول: مصادیق جرم سیاسی در لایحه پیشنهادی قوه قضائیه..... ۲۶
- بند دوم: مصادیق جرم سیاسی در لایحه پیشنهادی هیات دولت..... ۲۶
- بند سوم: مصادیق ذکر شده در مصوبه غیر نهایی مجلس شورای اسلامی..... ۲۷
- بند چهارم: قانون جرم سیاسی مصوب اردیبهشت ۹۵..... ۲۸

فصل دوم: بغی و جرم سیاسی از منظر فقه اسلامی

- مبحث اول: بغی از منظر فقه اسلامی..... ۳۲
- گفتار اول: تعریف بغی در فقه امامیه..... ۳۲
- بند اول: مستندات جرم بغی..... ۳۴
- الف) قرآن..... ۳۴
- ب) روایات..... ۳۸
- پ) اجماع..... ۳۸
- ت) عقل..... ۳۸
- گفتار دوم: دیدگاه فقهای اهل سنت در خصوص بغی..... ۳۹
- گفتار سوم: اختلاف نظر فقهای امامیه با اهل سنت در تعریف بغی..... ۴۱
- گفتار چهارم: شرایط تحقق جرم بغی..... ۴۲
- گفتار پنجم: ارکان تشکیل دهنده جرم بغی..... ۴۶
- بند اول: رکن قانونی..... ۴۶
- بند دوم: اجزای رکن مادی..... ۴۶
- بند سوم: رکن روانی..... ۵۰
- گفتار ششم: اقسام بغی..... ۵۲
- بند اول: حرکتهای غیر مسلحانه به منظور سرنگونی حکومت اسلامی..... ۵۲
- الف) منافقین (توطئه‌گران)..... ۵۳
- ب) مفسدین (اخلالگران)..... ۵۳
- پ) مبطلین (ستیزه‌گران گمراه)..... ۵۳
- بند دوم: حرکتهای مسلحانه به منظور سرنگونی حکومت اسلامی..... ۵۴
- بند سوم: حرکت مسلحانه به منظور سرنگونی حاکم اسلامی..... ۵۴
- بند چهارم: حرکت غیر مسلحانه به منظور سرنگونی حاکم (شورش‌های عقیدتی)..... ۵۴
- بند پنجم: شورش‌های سیاسی..... ۵۵
- بند ششم: شورش‌های قومی یا طایفه‌ای علیه یکدیگر..... ۵۶

- بند هفتم: شورش اقلیت‌های مذهبی..... ۵۷
- بند هشتم: شورش فرق ضالّه..... ۵۸
- گفتار هفتم: عدم اجرای مجازات بغی..... ۵۸
- بند اول: مدارا با بغات..... ۶۰
- بند دوم: مسئولیت در برابر اعمال ارتكابی..... ۶۳
- مبحث دوم: اقسام باغیان و روش برخورد با آنها..... ۶۷
- گفتار اول: اقسام باغیان..... ۶۷
- گفتار دوم: شیوه برخورد با باغیان و حقوق آنها..... ۶۸
- الف) قبل از جنگ:..... ۶۸
- ب) حین جنگ:..... ۶۹
- ج) بعد از جنگ..... ۷۰
- مبحث سوم: جرم سیاسی در حقوق بین الملل اسلام..... ۷۱
- الف) جرم سیاسی در لایحه‌ی پیشنهادی کمیسیون حقوق بشر اسلامی:..... ۷۱
- ب) جرم سیاسی در حقوق و متون اسلامی:..... ۷۲
- فصل سوم: جرم سیاسی و بغی از دیدگاه حقوقی**
- مبحث اول: ماهیت جرم سیاسی..... ۷۶
- گفتار اول: ضوابط تشخیص جرم سیاسی..... ۷۶
- گفتار دوم: دیدگاه حقوق‌دانان پیرامون جرم سیاسی..... ۷۸
- گفتار سوم: عناصر تشکیل دهنده جرم سیاسی..... ۸۰
- بند اول: عنصر قانونی..... ۸۰
- بند دوم: عنصر مادی..... ۸۱
- بند سوم: عنصر روانی..... ۸۳
- گفتار چهارم: مصادیق جرم سیاسی..... ۸۳
- گفتار پنجم: شیوه دادرسی..... ۸۴
- بند اول: از جهت حضور هیات منصفه در جلسه دادرسی..... ۸۵
- بند دوم: از جهت اجرای قاعده استرداد..... ۸۶
- بند سوم: از جهت علنی بودن دادرسی..... ۸۸
- بند چهارم: مرجع صالح در رسیدگی به جرایم سیاسی و بغی..... ۸۸
- مبحث دوم: مجازات در حقوق..... ۸۹

۸۹	بنداول: تعزیری بودن مجازات مجرمین سیاسی.....
۹۰	بند سوم: امتیازاتی که مجرمان سیاسی از جهت تحمل مجازات از آن برخوردارند.....
۹۲	گفتار اول: بررسی و تحلیل مواد مربوط به جرم بغی در قانون مجازات اسلامی.....
۹۵	گفتار دوم: رابطه بغی و جرم سیاسی.....
۹۸	گفتار سوم: رابطه جرم سیاسی و جرم امنیتی.....
۹۹	گفتار پنجم: رابطه بغی با محاربه و افساد فی الارض.....
۱۰۲	گفتار ششم: حدی بودن مجازات مجرمین جرم بغی.....
۱۰۳	گفتار هفتم: مقایسه بغی در حقوق موضوعه با فقه جزایی اسلام.....
۱۰۵	نتیجه گیری.....
۱۰۶	پیشنهادات.....
۱۰۷	فهرست منابع.....

بغی در لغت، به معنای از حد گذشتن یا از حد گذراندن است، اما از منظر فقهی و حقوقی، بغی به معنای خروج بر امام عادل و برافراشتن پرچم مخالفت با حاکمیت مشروع است و کسانی که به این کار اقدام می‌کنند، باغی خوانده می‌شوند. اگر چه برخی از فقها و صاحب نظران مسلمان بغی را به دو نوع تقسیم کرده‌اند: یکی بغاوت در برابر امام عادل یا حکومت مشروع و دیگری بغاوت در مقابل گروهی از مسلمین. اما واقعیت آن است که با توجه به احکام مربوط و با در نظر داشت مکانیزم مقابله با آن، می‌توان گفت این دسته بندی صرفاً به صورت قضیه بر می‌گردد و تاثیری بر ماهیت آن ندارد. بغاوت، چه در مقابل امام عادل صورت بگیرد یا در برابر گروهی از مسلمین، از نظر فقهی و شرعی جرمی سنگین شمرده شده و مبادرت به آن حرام می‌باشد. همچنان‌که نحوه برخورد و مقابله با آن، در هر دو مورد یکسان است.

نکته مهم و قابل توجه آن است که بر اساس آموزه‌ها و احکام شریعت مقدس اسلام، بغی دارای عناصر و ارکانی است که شرایط تحقق آن به شمار می‌آیند؛ به طوری که بدون این عناصر و مولفه‌ها تحقق بغی به اشکال برمی‌خورد و بلکه اصلاً منتفی خواهد بود. این شرایط، با قطع نظر از اختلافات جزئی در مورد کم و کیف آنها، عبارتند از:

۱- قیام مسلحانه در برابر حکومت مشروع اسلامی

۲- داشتن قدرت سیاسی و نظامی و برخوردار بودن از تشکیلات منظم و سازماندهی منسجم به طوری که مقابله با آنها جز از طریق هجوم مسلحانه و لشکرکشی بر علیه دولت اسلامی ممکن نباشد؛ ۳- داشتن ایدئولوژی؛ به این معنا که باغیان باید در اثر فهم و برداشت خاص از اسلام و آموزه‌های دینی به این نتیجه رسیده باشند که حکومت موجود مشروعیت ندارد و باید سرنگون شود.

بنابراین، هرگونه اقدام یا حرکت منفی علیه دستگاه حاکم را نمی‌توان بغی نامید. بغی در صورتی محقق می‌گردد که شرایط و عناصر آن فراهم گردد و در صورت تحقق شرایط و حصول آن، با توجه به مشترکات ترور و بغاوت از قبیل نظم سازمانی، کشتار، ایجاد ناامنی، نابودی یا ضربه زدن و تضعیف حاکمیت و تعقیب اهداف سیاسی، می‌توان گفت بغاوت نوعی از ترور است که به صورت سازمان یافته و تشکیلاتی، رهبری و اجرا می‌شود فراتر آن که با توجه به فعالیت‌های سازمان یافته تروریست‌های بین‌المللی و انجام ترورهای منظم و هدفمند، به این نتیجه می‌توان رسید که اصولاً بغی، صورت پیشرفته تروریسم است.

جرم سیاسی در متون اسلامی تحت عنوان کلمه بغی مطرح گردیده است و منشاء انتخاب این کلمه آیه شریفه: (و ان طائفتان من المومنین اقتتلوا فاصلحوا بینهما فان بغت احدهما علی الاخری فقاتلواالی تبغی حتی تفئی الی امرالله فان فائت فاصلحوا بینهما بالعدل و اقسطوا آن الله یحب المقسطین^۱) می باشد. در این آیه چنانکه ملاحظه می شود کلمه بغت و تفئی ذکر شده است و اختصاص با قتال و نبرد و جنگ دارد اما از آنجائیکه جنگ یکی از جرائم سیاسی می باشد می توان دانست که مراد از بغی در این آیه جرم سیاسی است.

نمونه واضح و روشن بغاه اهل نهروان و اصحاب جمل اند. که هر سه شرط بالا را دارا بودند. البته برخی از فقها در شرط نخست تردید دارند و کثرت را شرط اهل بغی نمی دانند. پس می توان این گونه بغی را معنا کرد که گروهی به خاطر شبهه ای که نسبت به امام عادل دارند در مکانی مستقل و منفرد از امام که از دسترس وی بیرون است مسلحانه علیه وی قیام می کنند.

این پژوهش با پرداختن به بررسی بغی در مذاهب پنج گانه به شکل تطبیقی سعی دارد به گوشه ای از قدرت و قوت فقه اسلامی در حمایت از حق مشروع حکومت اشاره نماید.

بیان مسأله:

بررسی مقایسه ای جرم بغی با جرم سیاسی از دیدگاه فقه اسلامی و تطبیق آن با حقوق موضوعه مهم ترین مسأله تحقیق است که برای روشن شدن موضوع مورد بحث توضیحاتی را در زیر بیان می کنیم. یکی از جرائمی که در شریعت مقدس اسلام مورد عنایت و توجه شارع بوده، بغی یا جرم سیاسی است هر چند برخی چنین می اندیشند که در شریعت اسلام جرم سیاسی مطرح نگردیده است و شاید علت این باشد که تاپیش از قانون جرم سیاسی مصوب سال ۱۳۹۵ در نظام مقدس جمهوری اسلامی ذکر از قوانین مربوط به جرم سیاسی به طور مستقل و جدای از قوانین حدود و قصاص و دیات به میان نیامده بود بنا بر این عده ای تصور می نمایند که اسلام توجهی به جرم سیاسی نداشته است و متأسفانه در اثر همین اندیشه نادرست بسیاری از حقوق دانان اگر بخواهند درباره جرم سیاسی اظهار نظر نمایند فوراً به سراغ نوشته و کتاب های حقوقدانان غربی می روند و نظرات خود را بر اساس اندیشه های آنان ابراز می دارند و این نظرات هر چند یک سلسله نظرات حقوقی

هستند و از نظر اسلام ارزش حقوقی دارند و باید از آنها استفاده کرد اما نباید چنین فکر کرد که اسلام جرم سیاسی را مطرح نکرده است.^۱

جرم سیاسی در متون اسلامی تحت عنوان کلمه بغی مطرح گردیده است و منشأ انتخاب این کلمه آیه شریفه: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَت إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاءَ ت فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ^۲ (۹)». کلمه بغی در آیه شریفه مصدر «بغت» است، به معنای ظلم و تعدی بدون حق است و کلمه «فی» که جمله «تفیء» از آن اشتقاق یافته، به معنای برگشتن است و مراد از «امرالله»، دستوراتی است که خدای تعالی داده است. لذا معنای آیه این است: «اگر یکی از دو طایفه مسلمین به طایفه دیگر بدون حق ستم کرد باید با آن طایفه‌ی تعدی کرده، قتال کنند تا به امر خدا برگردند و دستورات الهی را گردن نهند»^۳.

جرم بغی از جرائم علیه امنیت و حکومت اسلامی و یا حاکم اسلامی است. این عنوان مجرمانه مختص فقه اسلامی، مستند از قرآن کریم و متون روایی است و در تاریخ اسلام سابقه وقوع دارد و همه مذاهب اسلامی به این جرم پرداخته‌اند و اختلافاتی به هم رسانده‌اند. لذا جرم بغی ارتباط تنگاتنگی با محاربه، جرم علیه امنیت حکومت اسلامی و براندازی دارد.^۴

حقوقدانان و دانشمندان بسیاری از کشورهای اسلامی، در تعریف جرم سیاسی در شریعت مقدس اسلام به جرم بغی اشاره نموده و آن را از بارزترین مصادیق جرم سیاسی و گاهی مرادف و مساوی با آن دانسته‌اند. برخی از نویسندگان نیز بغی را یکی از مصادیق جرائم علیه امنیت داخلی کشور طبقه‌بندی کرده‌اند.^۵ بغی از نظر فقهی، بحثی است که در کتاب «جهاد» بررسی می‌شود و اصولاً در این که عنوان مزبور بتواند از مصادیق جرم مستوجب حد باشد، اختلاف نظر وجود دارد. علمای اهل سنت، بغی را از جرائم منصوص مستوجب حد می‌دانند و مباحث مربوط به آن را در کتاب حدود ذکر کرده‌اند.^۶

۱ - مرعشی، ۱۳۷۳، ۲۶۱/۷

۲ - سوره حجرات، ۹

۳ - طباطبایی، ۱۳۶۷، ۴۶۹/۱۸

۴ - احمدوند، ۱۳۸۳، ۱۶۵

۵ - فتوحی بهنسی، ۱۴۰۹، ۸۲/۱

۶ - عوده، ۱۹۹۴، ۶۹۱/۲

در قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران، نامی از جرم بغی به عنوان یکی از جرائم مستوجب حد یا تعزیر برده نشده بود تا اینکه قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در مواد ۲۸۷ و ۲۸۸ به تعریف بغی پرداخته و آن را به خوبی از محاربه و افساد فی الارض تمیز داده و در زمره جرایم حدی قرار گرفته است.

اهمیت و ضرورت :

جرم بغی و محاربه و جرم سیاسی جدا از هم بلکه متقابلند هم از نظر مصداق و هم از نظر احکام و مجازات تفاوت های زیادی دارند و نباید این جرایم در قانونگذاری و یا در رسیدگی های قضایی با یکدیگر مخلوط و مشتبه شوند و تداخل پیدا کنند. بر همین اساس قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ برخلاف قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ و قانون جرم سیاسی مصوب سال ۱۳۹۵ به درستی این جرایم را از هم تفکیک نموده اند حال که این تفکیک صورت گرفته است باید به تعریف، شروط و وجوه تمایز و تشابه و دایره شمول این جرایم پرداخته شود

سؤالهای پژوهش

- ۱- آیا جرم بغی از مصادیق جرم سیاسی محسوب می شود؟
- ۲- آیا از دید گاه فقهی نا فرمانی در برابر حکومت از مصادیق بغی محسوب می شود؟
- ۳- آیا بین جرائم سیاسی و امنیتی تفاوت وجود دارد؟
- ۴- آیا جرم بغی از جهت دادرسی مشمول امتیازات جرایم سیاسی خواهد شد؟

پیشینه پژوهش:

موضوعی که انتخاب شده است تا به حال به صورت مستقل و مجزا و به صورت تفصیلی در کتب فقهی و حقوقی به آن پرداخته نشده است اما در کتبی مثل جواهر الکلام (محمد حسن نجفی) ، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی (حسین میر محمد صادقی) ، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی (محمد صالح ولیدی) و کتابهای شیخ طوسی و شهید اول و شهید ثانی و... به مباحثی از این موضوع پرداخته شده است این تحقیق بر آن است تا حد توانایی خود و با توجه به اهمیت موضوع بغی و جرم سیاسی به شناخت و بررسی روابط بغی با محاربه و جرم سیاسی و دایره شمول این جرایم بحث و بررسی نماید

فرضیه های پژوهش

- ۱- گرچه بغی را می توان از منظر فقه از مصادیق جرم سیاسی محسوب کرد اما از نظر مقررات جزایی ایران به عنوان جرمی مستقل می باشد
- ۲- نا فرمانی بصورت غیر مسلحانه از مصادیق جرم سیاسی محسوب می شود
- ۳- بین جرم سیاسی و امنیتی تفاوت وجود دارد
- ۴- بین جرم بغی و جرم سیاسی از جهت دادرسی تفاوت وجود دارد و امتیازات جرایم سیاسی به بغی تسری نمی یابد

اهداف پژوهش:

هدف کلی :

هدف کلی بررسی مبانی فقهی و جزایی جرم بغی در مقایسه با جرم سیاسی با رویکرد قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ و قانون جرم سیاسی مصوب اردیبهشت سال ۱۳۹۵ می باشد.

اهداف جزئی :

- اولین هدف جزئی بررسی رابطه بغی با جرم سیاسی می باشد.
- دومین هدف جزئی شناخت رابطه بغی با محاربه و افساد فی الارض و وجوه اشتراک و افتراق آنها است.
- سومین هدف جزئی بررسی سوء نیت در جرم بغی در جرایم علیه حکومت است.
- چهارمین جزئی هدف تبیین تضمینات راجع به دادرسی عادلانه در جرم بغی و جرم سیاسی می باشد.
- پنجمین هدف جزئی بررسی شروط باغی محسوب شدن از منظر قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ و فقه اسلامی است.

ساماندهی پژوهش:

در این پایان نامه مطالب به سه فصل تقسیم شده اند:

فصل اول: کلیات

در این فصل در مبحث اول مفاهیم بیان شده اند و در مبحث دوم به پیشینه تاریخی پرداخته شده است.

فصل دوم: بغی و جرم سیاسی از منظر فقه اسلامی

در مبحث اول این فصل بغی از منظر فقه اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و در مبحث دوم اقسام باغیان و

روش برخورد با آنها را ذکر کرده و در مبحث سوم این فصل به جرم سیاسی در حقوق بین الملل اسلام پرداخته

شده است .

فصل سوم: جرم سیاسی و بغی از دیدگاه حقوقی

مبحث اول از این فصل به ماهیت جرم سیاسی پرداخته است و مبحث دوم هم به مجازات ها در حقوق و رابطه

بغی و جرم سیاسی و محاربه و افساد فی الارض پرداخته است .

و در نهایت نتیجه گیری کلی از مطالب و مباحث گفته شده در این پایان نامه صورت پذیرفت.

فصل اول

کلیات

فصل اول: کلیات

برای آشنایی و شناخت هرچه بیشتر بغی و جرم سیاسی فصل اول به بیان کلیات این موضوع اختصاص داده می شود، زیرا برای شناخت بیشتر یک موضوع ابتدا باید مفاهیم خاص آن موضوع که مورد بحث قرار می گیرد تعریف شود، تا ابهامی در این زمینه وجود نداشته باشد. لذا در این فصل، مبحث اول به مفاهیم اختصاص داده شده است. مبحث دوم: از پیشینه تاریخی سخن به میان می آید .

مبحث اول: مفاهیم

این مبحث را به دو گفتار تقسیم می‌کنیم. در گفتار اول به مفهوم بغی و در گفتار دوم به مفهوم لغوی و اصطلاحی جرم سیاسی می‌پردازیم.

الف) تعریف لغوی «بغی»

«بغی» در لغت به معنای طلب و خواستن است ولی بیشتر در طلبی استعمال می‌شود که بیش از حد و خارج از حدود اعتدال باشد^۱.

بعضی از لغت‌شناسان نوشته‌اند؛ لفظ بغی در تجاوز و ظلم کردن والی نیز به کار رفته است؛

و بغی الوالی وکل مجاوزه فی الحد و افراط علی المقدار الذی هو حد الشی فهو بغی^۲.

همچنین بغی در معنای عدول از حق نیز به کار رفته است.

بغی در حالت فاعلی به باغی تعبیر می‌شود و جمع آن بغاه می‌باشد^۳.

ریشه «بغی» و این کلمه در لغت و در اصطلاح فقهی معانی مختلف دارد: الف- از حد تجاوز کردن: پس

باغی به شخصی گفته می‌شود که از حدود مشخص شده، تجاوز کند. بی‌جهت نیست که عرب به زن فاجره،

بغی می‌گوید چرا که از حدود مشخص شده از جانب خداوند تجاوز کرده و پا را فراتر می‌نهد. در قرآن کریم

آمده است: «یا أُخْتَ هَارُونَ ... وَمَا كَانَتْ أُمُكِ بَغِيًّا»؛ به حضرت مریم گفتند: ای خواهر هارون ... مادرت زن

بدکاره‌ای نبود.

ب- ظلم و ستم: در این معنا، به ظالم، باغی گفته می‌شود. در تاریخ آمده است که پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و

آله، در زمان حیات عمّار یاسر به او فرمودند: یا عمّار. تقتلک الفئنه الباغیه. «ای عمّار، گروه ظالم و ستمکار، تو

را خواهند کشت که مراد معاویه و طرفداران او بودند که در جنگ صفین، آن صحابی بزرگوار و یاور علی

علیه‌السلام را به شهادت رساندند.

ج- برتری‌جویی و استعلاء: بر اساس این معنا، باغی کسی است که در روی زمین، برتری‌جویی می‌کند؛ به

عنوان مثال، فرعون، باغی بود چرا که می‌گفت: «انا ربکم الاعلیٰ»؛ من خدای بزرگ شما هستم.

۱ - دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه بغی؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ذیل واژه بغی

۲ - جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۲۸۱

۳ - معلوف، ۱۹۹۸م، ص ۷۸

۴ - مریم/ ۲۸

۵ - نازعات/ ۲۴

د-طلب کردن چیزی: چنان که در سوره آل عمران آمده است: «افعیر دین الله بیغون.»^۱؛ آیا آنها غیر از آیین خدا می‌طلبند. و در روایتی از پیامبر گرامی اسلام(ص) آمده است: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم الا ان الله یحب بغاة العلم»^۲؛ فراگیری علم و دانش بر هر مسلمانی واجب است، آگاه باشید که خداوند طالبان علم و جویندگان دانش را دوست می‌دارد.

البته ماده بغی در باب افتعال بیشتر در معنای طلب استعمال می‌شود. بنابر این، از نظر معنای لغوی، باغی به کسی گفته می‌شود که متجاوز، ظالم، برتری جو و طالب باشد. مخفی نماند که اصل معنای بغی، همان از حد تجاوز کردن است.^۳

ب) تعریف اصطلاحی بغی

با توجه به تعریفهای مختلفی که برای باغی شده، می‌توان گفت: باغیان، دسته و یا گروهی هستند که بر ضد امام معصوم (ع) و یا امام عادل خروج کنند و قصد براندازی حکومت او را داشته باشند.

در زیر به چند نمونه از تعریف بغی که در کتب فقهی شیعه آمده است، اشاره می‌کنیم:

۱- آنان که بر امام عادل خروج کرده و بیعتش را شکستند و در دستوراتش با او به مخالفت برخاستند، باغی هستند؛^۴

۲- باغی به کسی گفته می‌شود که با امام عادل به جنگ پردازد.^۵

۳- باغی، کسی است که بر امام عادل خروج کند.^۶

۶- کسی که بر امام معصوم (ع) خروج کند، باغی است.^۷

بنابراین عبارت در تعریفهای بالا مشترک است که باغیان کسانی هستند که در برابر امام عادل، دست به خروج و قیام می‌زنند.

باغی در کلام امام خمینی (ره):

با تفحصی که در کتابهای آن حضرت به عمل آمد، تنها در «صحیفه نور» که مجموعه رهنمودهای ایشان است، در دو مورد به این کلمه در قبال تجاوز صدام اشاره کرده‌اند.

۱ - آل عمران، ۸۳

۲ - کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۱

۳ - نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۱، ص ۳۲۲

۴ - شیخ طوسی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۱۹؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ص ۱۷۳

۵ - راوندی، ۱۴۰۵، ص ۱۴۳

۶ - ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸، ص ۱۹۵

۷ - شهید اول، ۱۴۰۶، ص ۲۷۵